

بیت الغزل

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی

سال اول | شماره ۱ | مهرماه ۱۳۹۹

مقام معظم رهبری:
آموزش و پرورش بیت الغزل مسائل بعد از انقلاب است.



فهرست مطالب

۳

سخن سردبیر

۴

قاب‌نگار

۵

در مسیر حق

۶

خط مقدم

۷

جریان چیه؟!

۸

ریحانه

۹

فرشتگان زمینه

۹

کتاب‌طوریسم

۱۰

فراخوان همکاری

سخن سردبیر

سایه پژمانفرد

بیایید در خلوت هایمان کمی رو راست باشیم! با خودمان! بیایید بار دیگر به چیز هایی که دور و اطراف مان هست دقت کنیم. به همه ی پاسخ ها، گفته ها، باور ها، ارزش ها، دو دو تا چهار تایی بکنیم و ببینیم چقدر درست یا غلط هستند. به راستی زاویه دید ما، نگاه شخصی ما به یک موضوع خاص چیست؟! مخلص کلام اینکه بیایید فکر کنیم و باز هم فکر کنیم به افکارمان و غایت افکارمان. کسی چه میداند شاید شما هم سقراط بعدی باشید که جریان سیال فکری تان روزنه ای خواهد شد بر اتاق های تاریک و یا شاید روشن ذهن بشریت.

ای برادر تو همین اندیشه ای
ما بقی تو استخوان و ریشه ای

مولانا

قالب نگار

زینب حیدری

پژواک قیام به حق حسین (ع) در صفحه به صفحه ی تاریخ تکرار میشود؛ از بوعلی سینا تا ما، همه مدهوش حسین بوده و هستیم. به راستی این حسین کیست که عالم همه دیوانه ی اوست...



عکس: زهرا وزبیده

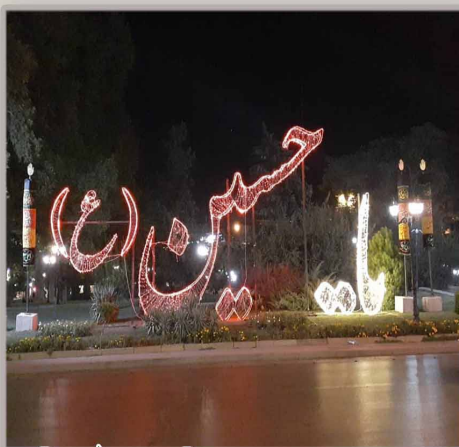


عکس: زینب آقابه

سردارا! از بعد رفتن غریبانه ی تان، ایران همیشه استوار در سوگ فرزند برومند خود نشست و چه غم عجیبی دارد نبودنتان... اما مامردان و زنان قهرمان، این مادر مهربان، کمر خم نکرد در برابر ناملایمات. شاید همین یک جمله ی نابتان راز پایداری ایرانمان است که: ما ز ازل تا به ابد ملت امام حسینیم و در دریای طوفانی دنیا نا خدایمان حسین است و ما سواره بر کشتی نجات حسین...

یا حسین!

چه خوش است در تاریکی شب واره دنیا
راه نشانم بدهی
تو چراغ هدایتم باشی و در حریم خویش
صفای جانم بدهی



عکس: زهرا وزبیده



عکس: بهار آهصدک

می گویند پاییز افسونگر است؛ آری پاییز افسونگر با هزار رنگ و لعاب می آید تا یادمان باشد به هیچ کس دل نبندیم؛ برگ درختان مگر دلبسته ی شاخه ها نیستند؟! با یک وزش باد شاخه را رها کرده و رهسپار جاده ی پاییز میشوند. اما من می گویم این یک تعبیر خودخواهانه است؛ ما حتی از صدای خش خش برگ های پاییزی زیر پایمان خوشحال میشویم. چگونه انقدر راحت آنها را محکوم به بی وفایی می کنیم!

پاییز اصلاً نمی تواند دلگیر باشد، فصلی که ارمغانش باران است و سروش صدای باد. فصلی که هدیه ی مهرش یک ساعت را دوبار زندگی کردن است؛ پادشاه فصل هاست. فصلی که شور و شوقی پاک و بی ریا را به قلب مهربان بچه های این مرز و بوم هدیه می کند، تا بار دیگر کنار هم بنشینند و بخندند و روی نیمکت های چوبی نقش زندگانی راحت کنند؛ تا بار دیگر بوی نارنگی و خاک باران خورده هوای کلاس را معطر کند؛ فصلی که در آن مهر معلمان همراه بچه ها میشود در مسیر زندگی.

ذوق و شوق معلمان ی نومعلم هایمان، در این فصل به بار می نشیند. مگر میشود پاییز را دوست نداشت با این همه خوبی! کاش همه ی ما همیشه همانطور باشیم ک قیصر امین پور میگوید:

"سراپا اگر زرد و پژمرده ایم
ولی دل به پاییز نسپردیم"

و از پاییز زیبایی اش را یاد بگیریم و مهرش را بفهمیم اما دلمان سوز سرد هوای پاییز را نداشته باشد و بی روح نباشد. پاییز جان، الهی مهرت مهمان همیشگی قلبمان باشد و پیام آور شادی بچه های سرزمینمان باشی به دور از هیاهوی ویروس و شلوغی های زندگی. پاییز تون قشنگ.

در مسیر حق

فاطمه پاشایی خجسته، فاطمه مجنوبی، فاطمه بیگلری

بسم رب الحسین

حاء سین یاء نون تلك آیات الجنون
بگویم از زمان هایی که با هزاران نامه، حسین
علیه السلام و اهل بیتش را به کوفه کشانیدند...

نامه های با این مضمون:
که به محض ورود آن حضرت به کوفه، مکت و
جلال را توأمان به او خواهند داد.
زهی خیال باطل!

مولای ما عزت و جلال و شکوه و افتخار را از
دستان ذات لایتناهی حق دریافت کرده بود...

بیچارگان گمان می کردند که حسین به طمع کاخ
و کوشک است که به سمت کوفه می شتابد، غافل
از آنکه حضرت تمان، وصال به معشوق را در صحرای
کربلا میدید...

مولای بر حق مان را بدعتی نامیدند و بر خاندانش
ظلم و ستم روا داشتند، ولایت بلاشک ایشان را
غصب کردند و از ایشان انتظار سکوت و اطاعت
داشتند!

آن هم با وجود رخنه ای که فرزند ناخلف معاویه
بن ابی سفیان، پسرک عیاش میمون باز، ایجاد
کرده بود...!

هرچند که این ظلم آنها بر اهل بیت پیامبر، جز
از عقده های شان در جنگ مولای متقیان با
اجداد بی کفایت شان، ابو سفیان، نبود و چه بسا
این مرهمی میشد (بخوانید داغی) بر قلوب
مریض شان...

فهوای کلام را پیامبران آن هنگام که فرمودند:
إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
که ابد... سرد نخواهد شد ای اهل ایمان...
(لا تَبْرُدُ أَبَدًا)

سخن کوتاه که جنون شان در رسیدن به قدرت
چند صباحی کوتاه دوام نیاورد و شیدایی مان
نسبت به مولای مان، ابدی شد در وجود شیعیان
علی علیه السلام
سالها گذشته است...

طی ادوار گذشته، افرادی بودند که ولایت بر
حق علی علیه السلام و فرزندان بی بدیش را از
ایشان غصب کردند.....

اینکه می گویند تاریخ تکرار می شود، بیراه
نگفته اند... برای دیدن سیاست های اعمالی
ظالمانه بر مردم مستضعف، احتیاجی به دو چشم

بینای درشت و آهوپی نیست! آن ظالمان
غاصبی که جنایت های کشمیر و ویتنام و
فلسطین و عراق خود را متصل به مسلمان
کشی های یمن کردند، روز به روز بر
بیچارگی های خود افزودند و خود را بیش
از پیش حقیر کردند...

نه تنها حماقت ها و سفاهت های این دسته
از جنایتکاران، بلکه لحظه لحظه خیانت
های افرادی که مالک قدرت هستند و بر
موضع قدرت تکیه زده اند و به ریش مردم
مظلوم و مضعوف می خندند، فراموش
نخواهد شد...

سیاستمدارانی که با انتخاب همین مردم بر
منصب می نشینند تا دردی را دوا کنند و ای
دل غافل که مشکلات عدیده ای را نیز بر
مصائب پیشین می افزایند...

اما... با تمام این اوصاف و پستی و بلندی ها
، همانگونه که حمیدرضا برقعی عزیز
فرمودند، با یکدیگر هم صدا می شویم:
یک نفر مانده از این قوم که برمی گردد

اللهم عجل لوليک الفرج

خط مقدم

مریم یعقوبی، معصومه توکلی نهاد

و مدیران در کلاس قادر نیستند که برنامه آموزشی محتوای کتاب‌های درسی یا لوازم و تسهیلات آموزشی را در راه پاسخگویی به نیازها، شرایط و امکانات محلی تغییر بدهند.

۴- چون امکان تبادل نظر و ارائه نظرات اصلاحی و راه‌حل‌ها و پیشنهادها جهت رفع مشکلات و کمبودها و نقایص برنامه‌ها و مواد آموزشی از سطوح پائین‌تر به سطوح بالاتر وجود ندارد، برنامه‌های آموزشی از لحاظ کمی و کیفی تغییر چندانی نمی‌کنند.

۵- چون از نظر مالی و اداری مدارس در هر منطقه کشور تابع مقامات در مرکز هستند میزان آزادی عمل در برآوردن نیازهای محلی و حل و فصل مسائل مالی و اداری برای مجریان برنامه های آموزشی در محل بسیار کم است و در نتیجه می‌بایست به‌طی مراحل اداری و کسب اجازه و ابلاغ دستور از مرکز تن دردهند.

۶- برنامه آموزشی، محتوای کتب درسی و ماهیت مواد و وسایل آموزشی معمولاً قبل از تصویب نهایی و ابلاغ به تمام مدارس کشور در یک مدرسه آزمایشگاهی اجرا، بررسی و آزمایش نمی‌شوند.

۷- عدم توجه به ویژگیهای مناطق مختلف کشور
۸- تناسب نداشتن برنامه‌ها با واقعیت‌ها
۹- عدم انعطاف‌پذیری در اجرای برنامه‌ها
۱۰- کاهش خلاقیت در معلمان و دانش‌آموزان
۱۱- کاهش انگیزه در معلمان

*مزایای نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز:

۱- عدم تمرکز برای مدیران سطح پایین‌تر امکان کسب تجربه در زمینه‌ی تصمیم‌گیری را فراهم می‌کند.

۴- چون تصمیم‌گیری توسط عده محدودی انجام می‌گیرد، تصمیم‌ها سریع‌تر گرفته می‌شوند.

۵- چون تصمیم‌های اتخاذشده درباره تهیه و تنظیم برنامه و مواد آموزشی بعد از تصویب قابل اجرا در تمام مدارس کشور می‌باشند مشکلات و مسایل اجرایی مشابه و معدودی وجود خواهد داشت.

۶- چون کتاب‌های درسی و مواد آموزشی برای تمام مدارس کشور به‌طور یکسان تهیه می‌گردد در مخارج چاپ کتاب‌ها و تهیه و تنظیم مواد آموزشی صرفه‌جویی به‌عمل خواهد آمد.

۷- تربیت و تأمین مدیران و معلمان برای مدارس کشور آسان تر است.

۸- چون همه استان‌ها و مناطق کشور از نظر مالی وابسته به مرکز هستند از بودجه و امکانات مالی نسبتاً یکسانی بهره‌مند می‌گردند و از دیدگاه کلی تر در ایجاد و حفظ وحدت ملی مؤثر است.

۹- پوشش تعداد بیشتری از فراگیران

۱۰- ایجاد وحدت ملی

۱۱- ایجاد عدالت آموزشی برای همه مناطق

*معایب نظام برنامه ریزی درسی متمرکز:

۱- چون برنامه‌ها و مواد آموزشی به‌طور یکسان برای تمام مناطق کشور تهیه و تنظیم می‌شود و نیز تصمیم‌گیری غالباً توسط کسانی انجام می‌گیرد که عملاً از محیط کلاس و مدرسه بدورند و با نیازها و شرایط و امکانات موجود در کلاس و مدرسه و منطقه آشنائی ندارند بیشتر تصمیم‌هایشان با نیازها، شرایط و امکانات موجود مطابقت نمی‌کند.

۲- در صورت وجود هرگونه نقص یا نقایصی در برنامه‌ریزی آموزشی یا محتوای کتب و یا ماهیت مواد آموزشی ضرر و زیان شامل تمام مدارس کشور می‌گردد.

۳- مجریان برنامه‌های آموزشی به‌خصوص معلمان

هر کشوری در دنیا دارای سیستم آموزشی مختص به خود است که این سیستم متناسب با نیازها و اهداف جامعه شکل گرفته است. بخشی از سیستم به نظام برنامه ریزی درسی را در بر می‌گیرد که متخصصان برنامه ریزی درسی، سه نوع نظام برنامه ریزی درسی متمرکز، غیر متمرکز و نیمه متمرکز را معرفی نموده‌اند. در تعریف این سه نظام باید گفت که نظام برنامه ریزی درسی متمرکز، معمولاً برنامه درسی را نهاد مرکزی تهیه می‌کند و مناطق و مدارس به اجرای وفادارانه آن ملزم می‌باشند، در نظام برنامه ریزی درسی غیر متمرکز، تمامی اختیارات به سطوح پایین‌تر واگذار می‌شود و هر یک از واحدها آزادی و اختیار عمل دارند و در نظام برنامه ریزی درسی نیمه متمرکز، سیاست‌ها و چارچوب‌ها را نهاد مرکزی تدوین می‌کند و بخشی از اختیارات به مناطق و مدارس واگذار می‌شود و نظارت و کنترل از سوی نهاد مرکزی اعمال می‌شود.

در ادامه به‌طور مختصر به بررسی جوانب مثبت و منفی نظام های برنامه ریزی درسی متمرکز و غیرمتمرکز می‌پردازیم:

*مزایای نظام برنامه ریزی درسی متمرکز:

۱- وقتی مدیران عالی تصمیم‌های اساسی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند فعالیت‌های مختلف را هماهنگ کنند و میان نیازهای بخش‌های مختلف سازمانی تعادل ایجاد کنند.

۲- تمرکز می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد زیرا تصمیم‌های اساسی را مدیران اتخاذ می‌کنند، و منابع و فعالیت‌ها در سطوح پایین‌تر تداخل نمی‌یابند
۳- وقتی موقعیت بحرانی ایجاد شود، تمرکز اطمینان می‌دهد که مدیران با تجربه تصمیمات بزرگ را اتخاذ خواهند کرد و ملاحظات مهم را در نظر خواهند داشت.

۲- در سازمان غیر متمرکز مدیران عالی با تصمیم های خود بار سنگینی بر دوش کسی نمی گذارند و به جای تاکید بر تصمیم ها، بر نتایجی که بر کل سازمان اثر دارد، تاکید می ورزند.

۳- سازمان های غیر متمرکز به سرعت می توانند به تغییرات محیطی پاسخ گویند، زیرا مدیران محلی با شرایطی که اختیار تصمیم گیری در آن شرایط را دارند، آشنا می باشند و به جای آن که منتظر بمانند تا تصمیم ها از زنجیره ی فرماندهی به آنان ابلاغ شود در زمان مناسب تصمیم های ضروری اتخاذ می کنند.

۴- توجه به ویژگیهای مناطق مختلف کشور

۵- توجه به تفاوت های فرهنگی واجتماعی وجغرافیایی و آموزشی مناطق مختلف

۶- فراهم بودن فرصت مشارکت در تصمیم گیری ها برای مدیران ومعلمان و دانش آموزان

۷- افزایش انگیزه معلمان ودانش آموزان به دلیل دادن فرصت مشارکت به انها در تصمیم گیری ها

۸- تهیه شدن برنامه ها بر اساس واقعیت و آنچه در محیط موجود است.

۹- مبتنی بودن برنامه ها بر اساس تغییرات محیطی

کامل در حوزه اختیارات ایالات و قلمروهای کشور قرار دارد، از این رو هیچگونه نظام آموزشی فدرالی در این کشور وجود ندارد. سیستم آموزشی کانادا یک مسئولیت استانی و تحت نظارت قانون اساسی و دولت فدرال کشور کانادا است، این بدین معنی است که در مناطق و استان های مختلف کشور کانادا تفاوت های عمده ای از لحاظ قوانین آموزشی وجود دارد. با این حال، استانداردهای آموزشی در سراسر کشور از یکپارچگی بسیار بالایی برخوردار است.

همانطور که می دانید سیستم آموزشی کانادا از برنامه تحصیلی جامع ملی و دولت فدرال برخوردار نبوده و دولت هر استان به طور جداگانه مسئولیت ساماندهی برنامه تحصیلی مدارس را بر عهده دارد. اما در عین حال، آموزش و پرورش تمام استان ها به منظور ایجاد بهترین تمارین مبتنی بر مشارکت دانش آموزان، در مجمعی به نام شورای وزیران آموزش و پرورش کانادا (CMEC) به یکدیگر ملحق شده اند.

سیستم آموزشی ایران مبتنی بر نظام درسی متمرکز است. در این نظام، محتوای آموزشی تمامی مناطق کشور یکسان بوده و طبق دستورالعمل هایی مشخصی تمام استان ها موظف به اجرا اقدامات هماهنگی هستند. از آنجایی که اهداف آموزشی، محتوای کتب درسی، ساعات درسی و هرگونه برنامه ریزی از جانب مدیران و طراحان بالا دستی صورت می پذیرد، مدیران آموزشی نواحی و مناطق در تصمیم گیری ها نقش چندانی ندارند و معلمان در محیط آموزشی قدرت اجرای کار محدودتری دارند و در نهایت کلیه قانونگذاری ها و تصمیمات از مراتب بالاتر سلسله مراتب اداری-آموزشی اخذ می گردد. پس می توان گفت که در کشور ما، سازمان مرکزی خود وظیفه رسیدگی و نظارت به حوزه های خردتر آموزشی را بر عهده دارد و برای تمام این حوزه ها با یک شیوه همسان از سیاستگذاری و برنامه ریزی تا ارزیابی و نظارت، عمل می کند. از طرف دیگر، از آنجاییکه وظیفه رسیدگی و نظارت بر حوزه آموزش در کشور کانادا به طور

تصویر: خبرگزاری مهر

جریان چیه؟!!

فاطمه سایه وند



همچنین آیات ۱ تا ۲۴ باب سوم کتاب پیدایش بیان می کند که مار زن را اغوا کرد تا از درخت ممنوعه میوه چیند و گمراه شد و سپس زن آدم را گمراه کرد. خدا به زن گفت الم و حمل تو را بسیار افزون تر گردانم با الم فرزندان خواهی زاید و مسلماً آنچه در تورات و انجیل فعلی و البته تحریف شده آمده است بی تاثیر بر جامعه ی مسیحیت و یهودیت نخواهد بود. این تفکر که زن از دنده چپ یا گل باقیمانده آدم آفریده شده و شیطان زن را گمراه کرده و زن مسبب گمراهی آدم است مقام زن را دگرگون می کند

در یونان باستان دیدی تحقیرآمیز نسبت به زن وجود دارد و در سنت مسیحی زن نماد شیطان و نفس اماره دانسته می شود. تورات فعلی هم حسابی از خجالت زن بیرون می آید و در کتاب پیدایش، باب دوم، آیات ۲۱ و ۲۳ خلقت زن را این چنین بیان می کند: خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد آدم گفت همانا این استخوانی از استخوانهایم. و گوشتی از گوشتم است به این سبب نسا نامیده شود که از انسان گرفته شد.

وقتی به جوامع بشری نگاه می کنیم، هم جوامع اسلامی و همچنین جوامع غیر اسلامی، می بینیم که در همه جوامع متأسفانه مسئله ای به نام مسئله زن همچنان وجود دارد. این نشان دهنده نوعی کج بینی و کج روی و نوعی کوته فکری نسبت به مسائل انسانی است. این نشان دهنده نگاه نادرستی است که در طی دوران ها به جایگاه و مقام زن شده است و همین نگاه سبب آن بوده که زن را از حقوق خود محروم کنند و در واقع هیچ حقوقی برای وی تعریف نکنند. مسئله زن از یک جا منشاء گرفته و مسیری را طی کرده تا به دوران ما رسیده است.

باشند، و این مهم به بروز انقلاب های فکری و جنبش های اجتماعی زنان در قرون نوزده و بیست در مغرب زمین منتهی شد. نهضت زنان به معنای دقیق در قرن ۱۹ در فرانسه گسترش یافت و نام فمینیسم را گرفت. feminism واژه ای فرانسوی از ریشه femina به معنی زنانه و مونث است. جنبش فمینیسم از زمان آغاز حرکت تا به اینجا چهار مرحله را گذرانده که تا حدودی با آنچه که هدف قرار داده بوده رسیده است مثل کسب حق رای برای زنان و حق مالکیت. اما در این مسیرگاهی بیراهه رفته و بازیچه ی دست سودجویان شده و این افراد با استفاده از این فضا یعنی فضای فمینیسمی همچنان بر زنان ظلم کردند. در قسمت بعدی خلاصه ای از فعالیت های چهار دوره فمینیسم ارائه خواهیم داد.

در عصر جاهلیت مرد بر زن حق حیات داشته و زن در ردیف سایر انسان ها قلمداد نمی شده بلکه انسان درجه دو محسوب می شده است. طلاق در دست مرد بود و به آسانی انجام می گرفت در بیشتر موارد از روی غضب و به قصد انتقام جویی و تنبیه زن بود. پس از طلاق زن حق ازدواج با مرد دیگری را نداشته چون تعصب افراطی مرد اجازه نمی داد که همسر سابق خود را با مرد دیگری ببیند. از نظر مردم جاهلی قاعده کلی در میراث این بوده که فقط مرد ارث می برد و همسر مرد نه تنها از ارث محروم بوده بلکه در شمار ارثیه میت محسوب می شده و به ارث می رسیده است. با مراجعه به کتاب های تاریخی و جامعه شناسی دیده می شود که طبیعت متفاوت زنان و برخی عوامل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی باعث شده زنان در جایگاهی فرو دست مردان قرار گرفته

تا آنجایی که انسان بودن زن به فراموشی سپرده می شود. اما آنچه که باید باشد و همه جهان بدانند در آیه ۱ سوره مبارکه نساء آمده است که می فرماید شما را خلق کرد از نفس واحدۀ. تفاوت های جسمی و روحی زن و مرد نمی تواند برتری یکی بر دیگری را اثبات کند. آفرینش هر دو از یک نفس است و اینگونه نیست که یکی بر دیگری در آفرینش برتری داشته باشد. مکتب های تحریف شده شیطانیه بودن ذات زن را از آنجایی می گیرند که سبب فریب آدم شد اما آیه ۲۶ سوره بقره می فرماید که شیطان هر دو را لغزاند و هر دو خارج شدند. همین دو نقطه غلط که قرآن کریم هر دو را رد می کند برای آغاز ظلم فراوان به زن کافی بوده است حال آنکه برخی از فلاسفه در طی دوران ها پتک را برداشته و مقام زن را کوبیده اند.

ریحانه

پریناز در جزینی

هرچند پای بی رمق او توان نداشت
هر چند با این قافله جانش امان نداشت
بار امانتی که به منزل رسانده است
چیزی کم از رسالت پیغمبران نداشت
مادران خواهران و همسران بسیاری در دوره دفاع مقدس بودند که همچون تکیه گاهی صبورانه مشوق همسران پدران و برادران خود برای پا گذاشتن در عرصه جنگ و جهاد می بودند اینان همان جهادگران ای بودند که حق خود را در برابر جهاد اکبر به انجام رساندند. این صبوری و این تشویق ها و این تکیه گاه بودن آن ها هیچگاه هیچ ارزشی کمتر از جنگیدن با سلاح در برابر دشمن ندارد همانند ام وهب در میدان جنگ عاشورا که پسر نصرانی خود را چونان تحفه ای به درگاه خداوند تقدیم نمود.

که همین آگاهی، معرفت، صبر و تحمل آن ناشی از ینش اسلامی حضرت زینب سلام الله علیها بود که نتوانست حادثه کربلا را این چنین بزرگ و ماندگار در تاریخ نگاه دارد و دستاوردهای عظیم معنوی و تاریخی این حادثه را ماندگار سازد ایشان همچنین در ذکر ویژگی های زنان الگو می فرمایند اینجانب در مقابل عظمت زن ایثار و فداکاری همسران جانبازان و همچنین اسرا آزادگان و رزمندگان اسلام به لحاظ اصولی بودن در صبر و استقامت حفظ و حراست از حریم امن خانه و خانواده و در برابر همسران و مادران فداکاری که فرزندان و همسران خود را تجهیز کرده و به میدان شهادت فرستادن احساس تواضع می نمایم.

در طول دوره های تاریخی گوناگون در تمام سرزمین ها و در تمام ادیان مختلف زنانی بودند که در کنار همسرانشان صبورانه جنگیده اند نه با سلاح سرد یا با سلاح گرم بلکه با سلاح هایی از جنس صبر و مقاومت و ایثار و فداکاری. و به همین ترتیب و با استفاده از همین سلاح ها پشتوانه های محکم تری برای همسران برادران پدران و پسران خود بودند اما از اسوه های شاخص و برتر این صبوری و این سلاح می توانیم از حضرت زینب سلام الله علیها یاد کنیم که الحق برترین زن پشتوانه برای خانواده پس از از مادر خود حضرت زهرا سلام الله علیها می باشد. حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران می فرمایند: زنان ما باید بدانند

ما را کسی شناخت که با عشق آشناست
تاریخ ما ادامی تاریخ کربلاست...

فرشتگان زمینی

زهرا وزینی



کنار روحیه‌ی جهادی، حرف‌هایی از تمنای رعایت اصول بهداشتی توام با داشتن انگیزه برای پایان ویروس، گفته‌هایی از رنگ نگرانی، از بی خبری از خانواده‌ی خود و در عین حال داشتن امید برای طلوع سپیده‌دمی که اولینی برای پایان این ویروس باشد. آری آنها به راستی فرشته‌اند! با تمام خستگی و تلاش بسیار، تنها یک خواسته از ما دارند. بیاییم به گسترش ویروس کرونا خاتمه بدهیم؛ با خارج نشدن از منزل برای امور غیر ضروری، با استفاده از ماسک و رعایت نکات بهداشتی، برای به حداقل رساندن ویروس. به امید روزی که نورهای سرد و شاخه‌های دست‌گشوده بر آسمان تاریکی جنگل این روزهایمان، با رعایت خودمان، به گشودن پنجره‌ی امیدواری برای پایان یافتن این ویروس گسترده بر جهان، منجر شود و همه چیز با یاری خداوند و همت خودمان، به روال عادی‌اش برگردد.

و چه کاری والاتر از نجات آدمی می‌تواند باشد؟!

روحیه‌ای از جنس شور و انگیزه و نگاهی به مهربانی آفتاب دارند تا مبدا این ویروس چموش، دلسردی و ناامیدی را در دل‌های بیماران و دیگر مردمان سرزمینشان، به جای بگذارد و روحیه‌ای را خسته و دل‌نگران سازد. لبخندشان گویای حرف‌های بسیاری است؛ این را حتی از پشت ماسک‌هایی که بر چهره زده‌اند، میشود فهمید. حرف‌هایی از خستگی در

در حوالی شهر، در تکاپوی گسترش ویروس کرونا، در گوشه‌هایی از این آبادی، انسان‌های شریف و فداکاری از جنس آدمیت، در لباس پرستاری، عاشقانه برای یاری و نجات هموعان خود، در تلاش‌اند.

چه خوش سیرت مردمانی هستند... انسان‌هایی از جنس مهر و عطوفت، همدلی و زیبازستی. بزرگ مردان بلند همت و زنان جهادگر خستگی‌ناپذیر که با شجاعت تمام پا به عرصه‌ی میدان جنگ با ویروس کرونا، نهاده‌اند. همان فرشتگان سفیدپوش که سخاوتمندانه و خالصانه در یاری به هم نوع خویش، شبانه روز، همچون پروانه‌هایی پرشور و تپش، بر بالین بیماران کرونایی می‌چرخند و چه بی‌منت فداکاری خویش را به رخ عالم می‌کشند. پرستارانی که از زندگی شخصی خود گذشته و تمام وقت برای بهبود وضع بیماران در تلاش‌اند. به راستی که چه کار بزرگ و گران قدری است، گذشتن از همه چیز خود، فقط و فقط برای خدمت به جامعه‌ی خویش.

کتاب طوریسم

سایه پژمانفرد

پس از پنجاه سال پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین (ع)

به زعم وی، حادثه خونین عاشورا، خود جزیی از تاریخ است، تاریخی که رویدادهای آن یکی معلول دیگری است. نگاه نافذ نویسنده در تحلیل این واقعه از روایت صرف فاصله می‌گیرد، چنانکه میبینم برای این ریشه‌یابی به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد و شرایط اقلیمی، دینی، اقتصادی و اجتماعی را به خوبی از نظر می‌گذراند...

دکتر شهیدی آثار گرانبهایی در حوزه‌ی تاریخ و سیره معصومین (ع) از خود به یادگار نهاد که در جامعه مخاطبان ایرانی و غیرایرانی خود فوق العاده تاثیر گذار بوده است. آنچه رخ داد چرا رخ داد؟ پرسشی است که نویسنده در سراسر کتاب، بدون پرداختن به حاشیه، در پی دست یافتن به آن است.

سید جعفر شهیدی مردم‌بندگان دنیایند و دین، تنها بر زبان‌شان جاری است، هنگامی که زندگیشان سرشار است به دین گریند ولی هنگامی که در تنگنای بحران‌ها قرار گرفتند دین داران واقعی اندک می‌گردند.

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳

فرزخوار نمکار

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی بیت الغزل از تمامی دانشجویان معلمان جهت همکاری با این نشریه در زمینه های نویسندگی، گرافیکی، طراحی نشریه دعوت به عمل می آورد.

همچنین شما میتوانید نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را برای ما ارسال نمایید.

آیدی ارتباطی با ما: @Z_aghaei۷۸۹۹

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی بیت الغزل

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر همدان

مدیر مسئول: زینب آقایی سردبیر: سایه پژمانفرد

هیئت تحریریه: فاطمه بیگدلی، سایه پژمانفرد، فاطمه مجذوبی، زینب حیدری، زهرا وزینی

معصومه نوکلی نهاد، پریناز در جزینی، فاطمه سایه وند، مریم یعقوبی، فاطمه پاشایی خجسته

گرافیکست و صفحه آرا: پریسا آزادی - هانیه صالحی خشنودی

با تشکر ویژه از: مهدیه کاظمی، سارا اسدی، بهینا صدفی